

بازخوانی ۶ اقدام ساده که شهرداری تهران جسارت پیگیری آن را ندارد

# بن بست جسارت



لک‌های رنگ‌آبی ریخته بود و... این را تعریف نکردم که با چنین دستاویز خردی به نقد مدیریت شهری بپردازم، این را گفتم که روشن شود از خرد تا کلان سیاست‌های شهری لنگ می‌زند و این بین فقط اعصاب مردم است که بیشتر از قبل خرد می‌شود و کاری هم از دست‌شان بر نمی‌آید و انگار از بهبود شرایط ناامیدند و به قول یکی از دوستان، همین که شهردار دیگری از تهران همسر دوش را با گلوله در حمام خانه‌اش نکشد، رضایت نسبی برقرار خواهد شد!

را جلوی مغازه‌شان پارک کرده بودند. هرچه هم فریاد می‌زدند گوش آن نیروی شهرداری بدهکار نبود و می‌گفت برو به بالاسری مون بگو! این طرف هم هر که هر چه از دهانش در می‌آمد به صدر تا ذیل شهرداری و... می‌گفت. سر آخر هم یکی از کسبه به همراه دو نفر دیگر حرکت کردند تا خود را به بالای پل برسانند و تکلیف آن نیروی پیمانکار را روشن کنند که دیگر من آمدم و نمی‌دانم عاقبت ماجرا چه شد، فقط ردیفی از ماشین‌ها را می‌دیدم که روی همه آنها

بالا روی ماشینی که از کنارش رد می‌شدم، ریخت، مردم همه بالا نگاه می‌کردند و بعضی هم داد و بیداد که فلانی نکن این کارو، ماشینی من رو داغون کردی و... سرم را بالا گرفتم دیدم بله، یکی از نیروهای پیمانکاری شهرداری در حال رنگ‌زدن نرده‌های پل دوم خیابان حافظ بود و بدون هیچ مراقبت و رعایت هیچ اصولی قلم‌موی آبی‌رنگ را روی نرده‌های کشید و قطره‌های رنگ از بالا روی ماشین مردمی می‌افتاد که پایین در ترافیک زیرپل بودند یا ماشین‌هایشان

برنیامدند و برای بهبود هوا حواله باد دادند! اما کاش ماجرا فقط همین موضوع آلودگی هوا بود، چون آن وقت می‌گفتم سال‌هاست کسی برای هوای تهران کاری نکرده، این مدیران هم مثل قبلی‌ها و قبل‌تری‌ها، فرقی نمی‌کند. اما این ناکارآمدی مدیریتی خلاصه در همین یک مساله نیست و نشده و همه وجوه شهروندی را تحت الشعاع قرار داده است. همین امروز خیابان حافظ را به سمت تقاطع جمهوری از زیرپل دوم حافظ پایین می‌آمد، قطره‌ای از



**ابوالقاسم رحمانی**  
دبیر گروه جامعه  
قرار نیست حرف خودمان را بزنییم، از خرد و کلان موضوعات شهری می‌لنگد، نمونه همه‌گیرش همین ماجرای آلودگی هوا، حتی اگر سهم اندکی هم برای مدیریت شهری تهران قائل باشیم، مدیران شهری از پس همین سهم اندک هم

## پساجسارت بازی مدیران شهری

کنش پینگ‌پنگی رئیس پارلمان شهری با شهردار تهران بعد از واکنش حناچی می‌تمام نشد و محسن هاشمی و محمد سالاری، عضو شورای شهر تهران دوباره با واژه جسارت جمله‌سازی کردند و بازی جسارت داشتن یا نداشتن بین مدیران شهری را ادامه دادند. محسن هاشمی در جلسه روز یکشنبه شورای شهر تهران لایه‌لای صحبت‌های مهمی که در ارتباط با بودجه سال ۹۹ کشور داشت، گفت که سهم شهروندان استان تهران از بودجه عمرانی که بیشترین نقش را در تولید درآمد ملی در کشور دارند، کمترین سرانه بین ۳۱ استان کشور و کمتر از ۶۰ هزار تومان در سال است و سهم محیط‌زیست نیز از بودجه برای هر ایرانی هفت‌هزار تومان و نزدیک به صفر در سال است و طبیعی است با این بودجه نباید انتظار اقدامات مهمی را در حوزه محیط‌زیست داشت. او به واکنش حناچی در ارتباط با سخنانش در برنامه پرونده ویژه هم پرداخت و گفت: «انتظار ما از شهردار تهران که در مورد قانونگرایی و اجتناب از قانون‌گریزی به ایشان حق می‌دهم، آن است که حداکثر تلاش خود را برای احیای حقوق شهروندان تهرانی در بودجه و تثبیت وظایف دولت در قبال حمل‌ونقل عمومی و محیط‌زیست پایتخت، به کار برند و قطعا شهروندان سایر کلانشهرها نیز که سیستم حمل‌ونقل عمومی آنها نیاز به تقویت و تجهیز دارد، از وضعیت موجود بودجه ناراضی هستند.» البته این فقط محسن هاشمی نبود که درباره تعریف حناچی از جسارت سخن گفت، محمد سالاری، عضو شورای شهر هم در واکنش به سخنان حناچی گفت: «جناب آقای حناچی درست گفته‌اید که بی‌قانونی فاحش را جسارت نمی‌دانید و حقیقتا حال این روز شهر تهران نتیجه عدول از قانون و حقوق عمومی شهر و شهروندان است و اما این را هم بدانید که قطعا می‌دانید داشتن جسارت برای عالی‌ترین مقام اجرایی کلانشهر تهران آن هم در مدار قانون یکی از ضروری‌ترین شاخص‌های اولویت‌دار است و در این راستا استفاده از فرصت حضور در دولت و لابی‌گری‌های موش و مرسوس و در صورت لزوم بسیج جامعه مدنی و ظرفیت رسانه‌ها به منظور مجاب کردن دولت و دستگاه‌ها و نهادها مسئول که به موجب فرازهای متعدد قانونی وظایف و مسئولیت‌های قابل توجهی در کمک به حل مشکلات شهر تهران و به خصوص کمک به توسعه حمل‌ونقل همگانی و کاهش آلودگی هوا دارند، ضرورتی انکارناپذیر است. جناب آقای حناچی! مطمئنا موضوع جسارت الزاما در مقابل بی‌قانونی تعریف نمی‌شود بلکه اداره کلانشهری با این حجم از گستردگی و پیچیدگی و ابرچالش‌های موجود همچنان نیاز به جسارت هوشمندانه برای برپیزی از بی‌قانونی و برپیزی از زیر پا گذاشتن حقوق عمومی دارد.»

## اگر جسارت بی قانونی است، من جسور نیستم!

حناچی، مدیر مورد قبولی برای شورایی‌ها نیست. این را می‌توان در تذکرات متعدد شورایی‌ها، نامه چند ماه پیش حق شناس و خیلی دیگر از مسائل دید. با این همه اما کار خاصی هم از شورایی شهر بر نمی‌آید مگر اینکه حناچی را با همه تراژدی‌هایش دوست داشته باشند. بالاخره اینکه در یک‌سال مدیریت شورای پنجمی‌ها پایتخت سه شهردار با سه رویکرد متفاوت تجربه کند و شهردار اول هم حالا درگیر راهروهای زندان به دلیل قتل همسر دوش باشد به اندازه کافی کارنامه مدیران اصلاح‌طلب شهر را سیاه کرده و به همین خاطر تغییر دوباره مدیر شهری حتما از گزینه‌های اصلی شورایی‌ها نیست، اگر نه احتمالا برای آن درننگ نمی‌کردند! از اینها که بگذریم، صحبت‌های محسن هاشمی در آن برنامه تلویزیونی و ترسو خطاب کردن حناچی از سوی شهردار تهران بی‌جواب نماند و فریاد پخش برنامه، روزنامه همشهری، ارگان رسمی شهرداری تهران به نقل از حناچی نوشت: «در دوره پیشین مدیریت شهری تعداد قابل توجهی اتوبوس برای سامانه بی‌آرتی خریداری شد که در ظاهر قدیمی در جهت بهبود حمل‌ونقل عمومی و در نتیجه بهبود کیفیت هوا بود، اما در واقع نتیجه‌ای جز افزایش آلودگی در پی نداشت. اقدام به خرید و به کارگیری اتوبوس‌ها در زمان یادشده به‌طور واضح و مشخص خلاف قانون بود. حال اگر قرار باشد اصرار عده‌ای از تصمیم‌گیران بر این بی‌قانونی فاحش را «جسارت» بدانیم، من نیز می‌پذیرم که فردی «جسور» نیستم. اما یقینا کسی که قانون را زیر پا می‌گذارد، جسور نیست؛ قانون‌گریز است. میثاق ما برای خدمت، قانون است و تعهد ما بر پیروی از آن. مشکلات شهر و کشور تنها در صورتی حل می‌شوند که راهکارها مبتنی بر قانون باشند، در غیر این صورت اگرچه در ظاهر می‌توان سیاهه عملکرد را پر کرد، اما واقعیت این است که آینده شهر و شهروندانش به سرنوشتی نامعلوم سپرده می‌شود. ما در شهرداری تهران از اقدامات شتاب‌زده و خلاف‌قانون اجتناب می‌کنیم و به این رویکرد خود باور داریم.»

## حناچی بیش از اندازه می‌ترسد

چند شب پیش بود که در یکی از برنامه‌های تلویزیونی پیرو ماجرای آلودگی هوا از محسن هاشمی، رئیس شورای شهر دعوت شد تا به بررسی و تحلیل وضع موجود و علل ایجاد و بهبود آن بپردازد. برنامه یک طرفه‌ای که قرار بود مسئولیت‌های مدیریت شهری در حوزه کاهش آلودگی هوا بازخوانی و در همان حیطه هم مطالباتی از مدیران شهری مطرح و به آنها پاسخ داده شود. اما خب در جریان همین برنامه حرف‌ها و نکات قابل تاملی بیان شد که پرداختن به آن خالی از لطف نیست، کمالینکه پس از آن برنامه هم برخی کلیدواژه‌ها و جملات سخنان جدید و اظهارات جدیدی را برانگیخت و بر دامنه حواشی حول مدیریت شهری اضافه کرد. مجری برنامه پرونده ویژه ناکارآمدی مدیریتی با به تعبیر بهتر سوءمدیریت در شهر تهران را یکی از عوامل اصلی عدم توفیق شهرداری تهران در حیطه مسئولیت‌هایش در کاهش آلودگی هوا عنوان و تا پایان برنامه هم بر همین مساله پافشاری کرد؛ چراکه براساس قوانین موجود در حوزه آلودگی هوا، خصوصا قانون هوای پاک، شهرداری در قیاس با سایر نهادها از میزان مسئولیت کمتری برخوردار است اما محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران مسئولیت حدود ۲۵ درصدی در این حوزه را متوجه مدیریت شهری دانست. پیرو همین ماجرا این بحث طرح شد که به هرحال شهرداری تهران و مجموعه مدیریت شهری اگر قرار باشد کاری کند، این مساله دور از توان و دسترس آن نیست و به قولی اگر شهردار مرد عمل باشد، می‌تواند در حدود اختیاراتش گره از کار شهر بکشد. هاشمی هم با تایید این مساله، پای جسارت در مدیریت را توسط کشید و با قیاس قابلیت‌های شهردار دوره قبل مدیریت شهری پایتخت با پیروز حناچی شهردار فعلی تهران گفت: «اصولا جسارت در مدیریت بسیار مهم است و مدیری که بترسد از اینکه کاری انجام دهد و دستگاه‌های نظارتی اذیتش کنند و کاری که معتقد است انجام دهد، ندهد خوب نیست! حناچی بیش از اندازه می‌ترسد. اگر یادتان باشد اتوبوس‌های بی‌آرتی زمانی که به پایتخت وارد شد دیرزلی آمد، درحالی که قانون هوای پاک این اجازه را نمی‌داد ولی آقای قابلیت‌های جسارت داشت و آنها را وارد کرد. این اتوبوس‌ها دیرزلی است، خوب نیست اما از این جهت که با این اتوبوس‌ها بخشی از مسافران جابه‌جا شدند، خوب بود و در واقع هم اینک اجازه نمی‌دهند اتوبوس ساخته‌شده وارد کشور شود اما بخشی از این اتوبوس‌های بی‌آرتی با جسارت آقای قابلیت‌های ساخته و وارد شد.»

## همه جا جسارت یعنی بی قانونی؟

شهادت می‌تواند مطالبات را وصول کند، نه با ترس. واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور روز گذشته در ارتباط با ماجرای ورود فوری اتوبوس به چرخه حمل‌ونقل پایتخت گفت: «تولید اتوبوس بسیار ساده‌تر از این موضوع است و اگر آقای شهردار به این نتیجه برسد که نیاز فوری به اتوبوس دارند می‌تواند درخواست خود را مطرح کند؛ چراکه امکان صدور اجازه موقت برای واردات خودرو وجود دارد.» این سخنان واعظی این‌طور نشان می‌دهد که انگار تا به حال شهرداری تهران ضرورت ورود اتوبوس به کشور را درک نکرده و درخواستش را نداده و حالا باید منتظر درخواست او باشیم. بازهم سوال این است که با کمی جسارت این مساله زودتر از اینها قابل حل نبود؟ پیش از این سازمان برنامه و بودجه هم با ارائه گزارشی پرداخت بخشی از مطالبات شهرداری را متذکر شده بود؛ پرداختی که خروجی آن هنوز برای شهروندان ملموس نیست.

**تعلل در ایجاد محدودیت شورای معماری مناطق**  
کمی جسارت، سرعت و البته دغدغه‌مندی می‌توانست و می‌تواند یکی از اصلی‌ترین گلوگاه‌های شهرفروشی را سامان دهد. تحدید اختیارات شوراهای معماری مناطق و تصویب و اجرای آن مطالبه‌ای است که در جهت کاهش شهرفروشی در پایتخت و منع شهرداری‌ها برای کسب درآمد از این راه مدت‌هاست به راه افتاده اما هنوز راه به جایی نبرده است. این هم یکی دیگر از مسائل و مطالباتی است که با جسارت و در قالب قانونی می‌تواند شهروندان و مطالبه‌گران را نسبت به مدیریت شهری امیدوار کند.

**عایدی حضور در هیات دولت**  
وقتی قرار بود اصلاح‌طلبان ساکنان جدید ساختمان بهشت شوند، مگر دیدیم قرابت فکری جریانی شورای شهری‌ها با دولت به‌عنوان شعاری کارگشا طرح می‌شد. اتفاق مبارکی هم بود، بالاخره وقتی بعد از سال‌ها تقابل و سنگ‌اندازی این دو نهاد یعنی شهرداری و دولت در مسیر یکدیگر و عدم همکاری و کمک به هم قرار بود شهردار تهران در جلسات هیات دولت حاضر شود، خیر خوب و مهمی بود و جای امیدواری داشت. اما هرچه پیش‌آمدم این خیر خوب و این امیدواری کدر شد تا جایی که دیگر امیدی به اثرگذاری این رابطه حسنه نرفت و نمی‌رود. به هرحال وقتی شورایی‌ها همه بار را به دوش دولت می‌اندازند بهتر است ضمن یادآوری شعرا این را هم بگویم که وقتی شهردار تهران امکان حضور در جلسات هیات دولت همسو و همفکر با مدیریت شهری را دارد، فقط با جسارت و

هستند که بعد از گذشت دوسال از عمر مدیریت شهری هنوز تعدادی از آنها باقی مانده‌اند. محسن هاشمی هم در ارتباط با این مساله به عدم پیگیری شهرداری‌ها اشاره کرده بود و در یادداشتی در این باره نوشت: «وزارت کشور، وزارت صمت، وزارت نفت و بانک مرکزی چهار رکنی هستند که باید تخصص اعتبار از صندوق توسعه ملی را اجرایی کنند اما به دلیل گره‌هایی که ناشی از عدم فهم مشترک و همراهی دستگاه‌های مختلف و برداشت‌های خشک از متن مصوبات و قوانین و عدم پیگیری مناسب شهرداری‌هاست پس از دو سال حتی هنوز یک دستگاه هم از این مجموعه ۱۹ هزار اتوبوس به شهرها تحویل نشده و ساخت آن نیز حتی آغاز نشده است.» اینها هم حتما با کمی جسارت و پیگیری در قالب قانونی حل و فصل می‌شد.

**دوچرخه‌های شهری**  
چند ده‌هزار تومان ودیعه مردم، استفاده خوب و بار روانی مثبت دوچرخه‌های نارنجی در پایتخت، ایستگاه‌های متعدد و اثرگذاری در حمل‌ونقل و کیفیت هوا همه خورجی‌های تصمیم‌بهره‌برداری از دوچرخه در سطح پایتخت بود. اما ناگهان همه این رویاپردازی‌ها به خاطر عدم حمایت درست و کامل شهرداری و علی‌رغم شفاف‌های مکرر و تبلیغات گسترده در ارتباط با آن از بین رفت و جز ایستگاه‌های خالی از دوچرخه، چیزی از این نارنجی‌های پایتخت باقی نمانده است. آیا با کمی جسارت نمی‌شد دوچرخه‌ها را در تهران حفظ کرد تا مردم از آن استفاده کنند و ما و مدیران شهری هم دلخوش به همان سهم حداقلی دوچرخه‌سواری در حمل‌ونقل شهری باشیم؟

**شهرداری همراه دولت روی اعصاب مردم**  
خلاصه اینکه مدیران شهری انگار فراموش کرده‌اند که دو سال از عمر چهارساله مدیریت‌شان بر پایتخت گذشته است و مردم همچنان چشم‌انتظار اقداماتی فراتر از وعده باد برای رفع آلودگی هوا و شایعاتی نظیر پولی شدن صندلی‌های اتوبوس و تونل‌ها و بزرگراه‌ها هستند. مطالباتی که همه آنها به صورت مستقیم و سریع روی زندگی مردم اثرگذار خواهد بود و در شرایطی که تمام افعال در سطح دولتی و... در جهت عصبی‌تر شدن مردم در جریان است، حداقل شهرداری این مسیر را آب و جارو نکند و نمک به زخم مردم نپاشد.

**عدم تهیه و ترخیص به‌موقع واگن مترو**  
یکی از مسائلی که به کرات درباره آن سخن گفته می‌شود ماجرای واگن‌های مترو است. اینکه خطوط ما ظرفیت جابه‌جایی ۱۱ میلیون مسافر در روز را دارند اما به خاطر کمبود و قدیمی بودن واگن‌ها نمی‌توانیم پاسخگوی نیازشان باشیم و... چند وقت پیش که با مهدی چمران، رئیس شورای شهر سابق تهران حرف می‌زدیم، می‌گفت تعداد زیادی واگن در گمرک و در انتظار ترخیص

**تعطیلی خطوط مترو**  
بعد از انتخاب شورای پنجمی‌ها برای پارلمان شهری، یکی از اولین اقداماتی که صورت گرفت، تعطیلی خطوط ۶ و ۷ مترو تهران بود. بهانه‌هایی هم که مطرح شد مساله ایمنی و برخی تجهیزات و... بود. وقتی این تعداد از خطوط طی چند سال ساخته شده است، آیا تجهیز آن که کار به مراتب آسان‌تری است، نمی‌تواند با سرعت و دقت بیشتری صورت گیرد؟ جسارت در تکمیل این خطوط نه بی‌قانونی است نه عدول از ارزش‌ها و اهداف، فقط کمی پیگیری و دغدغه‌مندی می‌خواست تا با سرعتی بیش از سرعت لاک‌پشتی فعلی امکانات رفاهی شهروندان فراهم شود.